

عربی دهم

منو طه دوم

(نکات و خلاصه درس)

(مشترک ریاضی تجربی)



(تمامی حقوق متعلق به مجتمع آموزشی و پژوهشی ثمین می باشد.)

الدَّرْسُ الْخَامِسُ : ﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ لقمان ١١

درس پنجم : این خلقت خداوند است

الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيْلًا، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْكَهْرُبَائِيَّةِ ذَاتَ أَلْوَانٍ مُتَعَدِّدَةٍ الَّتِي يَنْبَعِثُ صَوُّهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ، وَ تَحَوَّلَ ظِلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْغَوَاصُونَ التِّقَاطُ صُورٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ. اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعِثُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عُيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ. هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، وَ يَسْتَعِينَ بِالْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمَدُنِ؟ رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، لِأَنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَ جَدَّ».

غواص‌هایی که شبانه به اعماق اقیانوس رفتند، صدها چراغ برقی با رنگ‌های مختلف را دیدند که نورشان از ماهی‌های نورانی فرستاده می‌شود، و تاریکی دریا را به روزی روشن تبدیل می‌کنند که غواص‌ها می‌توانند در نور این ماهی‌ها عکس بگیرند. دانشمندان کشف کردند که این نورها از نوعی باکتری نورانی فرستاده می‌شود که زیر چشم‌های آن ماهی‌ها زندگی می‌کند. آیا امکان دارد که انسان روزی از آن معجزه‌ی دریایی استفاده کند و برای روشن کردن شهرها از باکتری نورانی کمک بگیرد؟ چه بسا می‌تواند آن را [انجام دهد]، زیرا «هر کس چیزی را بخواهد و تلاش کند، می‌یابد».

إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طِبِّيٌّ دَائِمٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدَدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا، فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْعَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتِمِمْ. هَمَانَا زَبَانُ گَرِبِه اسلحه‌ی پزشکی همیشگی است؛ زیرا آن پر از غده‌هایی است که مایع پاک‌کننده‌ای را ترشح می‌کند، پس گربه چندین مرتبه زخمش را می‌لیسد تا بهبود یابد.

إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ الطَّبِيعِيَّةَ وَ تَعْلَمُ كَيْفَ تَشَعْمَلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ لِلْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛ وَ قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِيعِيَّةِ لَكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا.



همانا بعضی پرنده‌ها و حیوانات با غریزه‌شان گیاهان دارویی را می‌شناسند و می‌دانند چگونه گیاه مناسب را برای پیشگیری از بیماری‌های مختلف به کار گیرند؛ و این حیوانات انسان را به خواص دارویی بسیاری از گیاهان صحرایی و غیر آنها راهنمایی کرده‌اند.

إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِلْعُغَةِ خَاصَّةً بِهَا، فَمَلِكُ لُغَةٍ عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا، فَلِلْغَرَابِ صَوْتُ يُحَدِّرُ بِهِ بَقِيَّةُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعدَ سَرِيعًا عَنْ مَنطَقَةِ الْخَطَرِ، فَهُوَ مَنزِلَةُ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ. همانا بیشتر حیوانات علاوه بر داشتن زبانی مخصوص به خودش، زبان عمومی دارند که به وسیله آن می‌توانند با همدیگر به تفاهم برسند. پس کلاغ صدایی دارد که به وسیله آن به بقیه‌ی حیوانات هشدار می‌دهد تا به سرعت از منطقه خطر دور شوند. بنابراین مانند جاسوسی از جاسوس‌های جنگل است.

لِلْبَطِّ غَدَةٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ ذَنْبِهَا تَحْتَوِي زَيْتًا خَاصًّا يَنْتَشِرُ عَلَى أَجْسَادِهَا فَلَا تَتَأَثَّرُ بِالْمَاءِ. اردک غده‌ی طبیعی نزدیکی دمش دارد که دارای روغن خاصی است و بر روی بدن هایشان (اجسامشان) پخش می‌شود پس تحت تأثیر آب قرار نمی‌گیرد.

تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ عَيْنَيْهَا فِي أَتْجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا وَهِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي أَتْجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ. آفتاب پرست می‌تواند چشمانش را در جهت‌های مختلفی بدون این‌که سرش را حرکت دهد، بچرخاند و او می‌تواند همزمان دو جهت را ببیند.

لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ وَتَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا دَائِرَةً كَامِلَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا. چشم جغد حرکت نمی‌کند زیرا آن ثابت است، اما او این کمبود را با حرکت دادن سرش به هر جهتی جبران می‌کند و می‌تواند که سرش را کاملاً بچرخاند بدون اینکه جسمش را حرکت دهد.

قواعد:

«الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ»:

به جمله‌هایی که با فعل شروع می‌شوند، جمله فعلیه گفته می‌شود.

الگوی جمله فعلیه: فعل + فاعل + (گاهی) مفعول.

فعل: کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته، حال یا آینده دلالت دارد.

فاعل: انجام دهنده‌ی کار یا دارنده‌ی حالت است.



